

سوال

۱

## چرا امام حسین شهر مکه رو برای مقصد خود از مدینه برگزیدن و شهر دیگه ای رو انتخاب نکردند؟!

پاسخ این سوال از چند جهت قابل بررسی است که در زیر به برخی اشاره می شود؛ شاید بهتر باشد که برای نزدیک شدن به پاسخ سوال، شرایط امام حسین (ع) و شرایط مکه توأماً در نظر گرفته شود تا به علت انتخاب شهر مکه پی ببریم. به نظر می رسد که امام حسین (ع) باید شهری را انتخاب می کردند که بتوانند با امنیت و آزادانه دیدگاه‌های خودشون رو ابراز کنند. پس دو ویژگی امنیت و طرح آزادانه دیدگاه برای شهر منتخب لحاظ شده است؛

الف) وجود امنیت در شهر انتخابی: خداوند متعال شهر مکه را در قرآن کریم چنین معرفی می فرماید: «مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران/ ۹۷) «و هر که در آن درآید در امان است».

ب) امکان طرح دیدگاه در شهر انتخابی: از آنجا که شهر مکه محل تردد افراد مختلف ممالک اسلامی بود، بهترین موقعیت مکانی برای حضرت (ع) بود که بتوانند دیدگاه های خودشان را برای افراد مختلف مطرح و تبیین کنند.

این دو ویژگی در مورد شهر مکه را می توان از کلام امام حسین (ع) در هنگام خروج از مدینه، برداشت کرد؛ که ایشان آیه ای از قرآن را قرائت کردند: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ ۖ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الظَّالِمِينَ» (قصص/ ۲۱) «(موسی) ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت [در حالی که می گفت: «پروردگارا، مرا از گروه ستمکاران نجات بخش.»]. در واقع، امام حسین (ع) به دلیل احساس ناامنی در شهر مدینه و عدم تأثیربخشی، تصمیم به ترک مدینه گرفتند و عازم به مکانی شدند که امنیت و امکان طرح دیدگاه خود در آن باشد.

ما قوس معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat



## چرا علیرغم نامه نگاری کوفیان به امام حسین (ع)، آن‌ها مقابل ایشان ایستادند؟

نامه نگاری کوفیان از نظر کمیت به میزانی رسید که می توان از آن به نهضت نامه نگاری یاد کرد. با توجه به قرائن در دسترس، می توان گفت که نامه نگاران از حزب های مختلف با انگیزه ی متفاوت بودند و طبیعی است که این گونه افراد در کربلا، مقابل امام حسین (ع) ایستادند و تنها به فکر انگیزه های شخصی خود بودند. با توجه به حزب های مختلف نامه نگاران می توان به انگیزه های مثبت و منفی آنان اشاره کرد؛

(۱) گروهی از شیعیان که خواستار حکومت حق اهل بیت (ع) و براندازی حکومت غیرمشروع اموی بودند.

(۲) گروه کثیری از کوفیان که به جهت حیات در حکومت عدل امام علی (ع) خواستار احیای عدل بودند.

(۳) عده ای خواستار احیای مرکزیت کوفه با رهبری فردی کارآمد بودند و آن را در رهبری امام حسین (ع) می دانستند.

(۴) بزرگان قبایلی که در جهت حفظ ریاست و قدرت خود با سایر مردم همراهی کردند تا وجهه خود را مثبت نشان دهند و در زمان آینده، همچنان از نقوذ و قدرت برخوردار باشند.

اگرچه به ظاهر هدف نهایی تمامی گروه های فوق، حکومت امام حسین (ع) بوده است. اما حقیقت امر تحقق اهداف و امیال شخصی و حزبی خود بوده است و بدین خاطر است که در واقعه کربلا می توان کناره گیری برخی نامه نگاران و حتی مقابله با امام حسین (ع) را مشاهده کرد.



سوال

۳

چگونه امام حسین (ع) حج تمتع خود را  
نیمه تمام رها کرد و به کربلا رفت؟

برای پاسخ به این سوال باید ابتدا دقت کنیم که آیا سوال صحیح است! بسیاری از شبهاتی که در فضای مجازی منتشر می شود به چنین شیوه ای است. بدین معنی که سوال آمیخته به مستندات اشتباه، عبارات ناصحیح و تحریف شده می باشد. در گزارش های تاریخی هیچ شاهد و قرینه بر حرکت امام در ماه ذی الحجه به سمت جحفه یا سایر مواقیت و تبدیل حج تمتع به عمره وجود ندارد. باید توجه داشت که زمان ورود امام حسین (ع) به مکه در ماه شعبان بوده است. بنابراین امام حسین (ع) در مقام انجام دادن اعمال حج نبوده است تا بخواهد برای سفر به کربلا حج خود را کنار بگذارد. توجه داشته باشیم که اهمیت قیام امام حسین (ع) نیاز به تحریف و دروغ پردازی ندارد.

ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





سوال

۴

## آیا امام حسین (ع) برای خود از دشمن درخواست آب کردند؟

در هیچ یک از منابع اصیل، به محوریت و اهمیت مسئله عطش در نزد امام حسین (ع) اشاره ای نشده است. با مطالعه و بررسی سخن‌های امام حسین (ع) نه تنها هیچ گونه اشاره به شکایت امام از تشنگی ذکر نشده است، بلکه سخنان ایشان در روز عاشورا بیانگر عزت و سربلندی است.

اگر چه مسئله بستن آب و ممانعت از دسترسی آن امری انکارناپذیر است، اما در برخی مجالس و محافل عزاداری، متأسفانه مسئله عزت امام حسین (ع) کم رنگ شده و به گزارش‌های غیر واقعی پرداخته می‌شود.

نمونه ای از سخن امام حسین (ع) در روز عاشورا به خوبی بیانگر عزتمندی ایشان است که در ذیل بخشی از آن آورده می‌شود:

«ذلت از ما بسیار دور است. خداوند و رسول خدا و مومنان و پرورده شدگان دامن‌های پاک و اشخاص با حمیت و مردان با غیرت، چنین کاری را بر ما روا نمی‌دانند که ذلت اطاعت از مردم پست را بر کشته شدن با عزت ترجیح دهیم.»

ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





سوال

۵

## جریان قطع آب بر امام حسین (ع) و یارانش چگونه بوده است؟

بنا بر گزارش‌های منابع تاریخی، عبید الله بن زیاد دستور قطع آب را به عمر بن سعد صادر کرد. عمر بن سعد برای اجرای دستور عبیدالله بن زیاد، مامورانی را جهت مراقبت از آب فرات و عدم استفاده امام حسین (ع) و یارانش مامور کرد. این امر از روز هفتم ماه محرم اجرا شد.

حضرت ابوالفضل (ع) به همراه چندین سواره و پیاده به سوی فرات رفتند و پس از درگیری، توانستند بیست مشک آب را پر کنند که این میزان تا شب عاشورا باقی ماند و امام در شب عاشورا به یارانش فرمود: «برخیزید و آب بنوشید که آخرین آذوقه شما از دنیا است. وضو بگیرید و غسل کنید و لباس های خود را با آن بشویید تا کفن های شما باشد.» که پس از اتمام این ذخیره آبی، دیگر دسترسی به آب میسر نشد.

ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat



سوال

۶

چرا زمان برگزاری عزاداری امام حسین (ع) متفاوت است و برخی از ابتدای محرم شروع به عزاداری می کنند؟

زمان شروع عزاداری امام حسین (ع) با توجه به مناطق مختلف، متفاوت است. برخی از روز هفتم ماه محرم آغاز کرده و تا سه روز پس از عاشورا ادامه می دهند و یا اینکه در بعضی مناطق دیگر، از ابتدای ماه محرم تا روز عاشورا عزاداری برقرار است.

اصل عزاداری امام حسین (ع) از مستحبات موکد دین اسلام است و عزاداری های قبل از روز عاشورا، مقدمه ای برای عزاداری در روز عاشورا است. برگزاری مراسم های عزاداری بستگی به فرهنگ و آداب مردم هر منطقه دارد و از آنجا که شهادت در سال ۶۰هـ اتفاق افتاده است به هر حال تمامی مراسم عزاداری ها بعد از واقعه ی عاشورا به شمار می آید. همه برگزار کنندگان و عزاداران مراسم امام حسین (ع) سعی دارند مراسم به شکل مطلوبی برگزار شود و فرهنگ عاشورایی نسل به نسل منتقل یابد.

با قوس معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





سوال

۷

## چگونه امام حسین (ع) علیرغم علم به شهادت خود، وارد کربلا شدند؟

از امام صادق (ع) نقل شده است که ایشان فرمود: «هر امامی که نداند به چه مصیبتی گرفتار خواهد شد و چه بر سر او خواهد آمد، چنین کسی، اساساً حجت خدا بر خلق نیست». بنابراین معصومین (ع) به طور قطع علم به شهادت خود داشته‌اند. باید توجه داشت که معصومین (ع) از دو گونه علم برخوردار هستند؛ الف) کسب علم از راه متعارف و عادی و ب) کسب علم از راه های غیر عادی و غیر متعارف. این دنیا، نشئه تکلیف است و آن پیشوایان نور نیز همانند سایر مردم، مکلف به تکالیف الهی بودند و باید طبق علم عادی رفتار می‌کردند. البته در مواردی همچون اعجاز و اثبات حق بودن دعوت، به اذن خداوند از علوم غیر عادی استفاده می‌کردند. این آگاهی ائمه (ع) از سرنوشت غیبی خودشان، تکلیف آور نبوده است و از آن علم نیز بدون اذن الهی و در جهت منافع خود استفاده نمی‌کردند. از طرفی دیگر، هر انسانی در مواجهه با دوراهی‌های زندگی، باید یک مسیر را انتخاب کند. بدیهی است انسان عاقل مسیری را انتخاب می‌کند که او را به هدف خود نزدیک کند، از آن جا که امام حسین (ع) در واقعه عاشورا بین دوراهی حفظ اسلام و حفظ جان قرار داشتند و رسالت ایشان در این دنیا هدایت انسان‌ها و حفظ اسلام است. به طور قطع، امام معصوم (ع) برای حفظ اسلام از جان خود و خانواده‌اش می‌گذرد و شهادت امام حسین علیرغم علم به آن رخ داد.

# ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





## چرا امام حسین (ع) در روز عاشورا تا آخرین لحظه دشمنان را نصیحت می کرد؟

از ویژگی‌های بارز پیامبران و معصومین (ع)، هدایت و دلسوزی نسبت به بندگان است. در واقع، تلاش برای هدایت و آگاه سازی مردم به نقاط انحراف و گناه لازمه رهبری و هدایت مردم است. چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم، نهایت دلسوزی پیامبر اکرم (ص) این‌گونه می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعرا/۳)

امام حسین (ع) نیز وارث تمامی کمالات پیامبر و فضایل الهی است. حضرت به خوبی وظیفه امامت را برای مردم ایفا کردند. ایشان در روز عاشورا با وجود حضور تعداد انبوه دشمنان و آگاهی از تصمیم آنان و مشقت‌ها، همچنان به رهبری و هدایت مردم پای بند هستند.

قابل توجه است که سخنان دلسوزانه و بیداربخش امام در آگاه سازی قلب عده‌ای مؤثرگشت و به لشکر امام حسین (ع) پیوستند و به سعادت ابدی نایل شدند. بنابراین امام علی‌رغم آگاهی از نیت شوم دشمنان، به وظیفه رهبری مردم، هدایت و دستگیری از مردم ادامه می‌دهد.

# با قوس معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





## چرا امام حسین (ع) در میدان جنگ و در آن شرایط سخت، نماز را اقامه کردند؟

یکی از اهداف مهم معصومین (ع) در تمام لحظات زندگی، توجه دادن عملی به اهمیت احکام شرعی است. توجه به احکام شرعی از جمله نماز در سیره تمامی معصومین (ع) وجود دارد. امیرالمؤمنین امام علی (ع) در جنگ صفین نزدیک ظهر، منتظر وقت نماز بودند تا نماز را در اول وقت به جا آورند. ابن عباس سؤال کرد: «یا امیرالمؤمنین، نگران چیزی هستید؟!» امام (ع) فرمود: «منتظر رسیدن وقت نماز می باشم.» ابن عباس گفت: «در این وقت حساس نمی توانیم دست از جنگ برداشته و مشغول نماز گردیم.» امام فرمود: «ما با دشمنان، برای نماز می جنگیم.»

در ظهر عاشورا نیز امام حسین (ع) از دشمن مهلت خواستند تا نماز بخوانند، ولی آنان با گستاخی تمام از نبرد دست نکشیدند و امام (ع) مجبور شدند در میدان نبرد نماز بخوانند. امام حسین (ع) با این عمل، اهمیت آن را برای همیشه در تاریخ ثبت کردند. از طرفی دیگر باید توجه داشت که سیره عملی معصومین (ع) مبارزه‌ای برای افکار القا شده‌ی منفی دشمنان بوده است. یزیدیان سعی داشتند که امام حسین (ع) را دشمن خلیفه رسول خدا و غیر مقید به احکام شرعی جلوه دهند. اما امام حسین (ع) و یارانش با صدق نیت و عملکرد خود، این دروغ بزرگ را آشکار کردند تا فریب خوردگان تبلیغات یزیدیان، بیدار شوند.

بنابراین امام حسین (ع) در روز عاشورا با شرایط سخت جنگ به برپایی نماز همت گمارد تا در تاریخ ثبت شود که پایبندی آن حضرت به دین به حدی بود که در شرایط سخت جنگ هم نماز را فراموش نکرد و به تأخیر نینداخت. در نتیجه، دشمنان نخواهند توانست که امام حسین (ع) و اهل بیتش را به بی دینی، لابالی‌گری و یا خارج شدن از جمع مسلمانان متهم سازند.

به همین جهت در زیارت عاشورا، بر ایمان و اقامه نماز امام حسین (ع) گواهی می دهیم: «أشهد أنك قد اقمت الصلاة»

## امام حسین (ع) آن همه ظلم و جنایت در سرزمین کربلا را چگونه ریشه یابی فرمود؟

ریشه یابی ظلم از منظر امام حسین (ع) را می توان از سخنان ایشان در برابر دشمن دریافت. اینک در ذیل به برخی عوامل اشاره می شود:

ظلم و جنایت در انسان، معلول قساوت قلب و سنگدلی است. عوامل فراوانی در قساوت و سختی دل نقش دارند که خوردن غذای حرام و هر نوع حرام خواری تأثیر عمیقی دارد. مُردن دل و محجوب شدن فطرت پاک الهی، عدم گرایش به حق و عناد و دشمنی با خداوند و اولیای او، از ثمره های حرام خواری است.

امام حسین (ع) در روز عاشورا، - در میان لشکری که او را چون نگینی در بر گرفته بودند- ضمن خطبه ای، بر این دو عامل مهم انگشت گذاشته و فرمود: (( فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانِ مِنَ الْمُرْتَدِّينَ، وَمَنْ عَصَانِي كَانِ مِنَ الْمُهْلِكِينَ. وَكَلِمَةٌ عَاصٍ لَأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي، فَقَدْ مَلِئْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطَبِعَ عَلَي قُلُوبِكُمْ؟ )) «هرکس از من اطاعت کند از رشد یافتگان و هرکس با من مخالفت کند از نابود شدگان است؛ ولی همه شما با من مخالفت می کنید و به سخن من گوش نمی دهید؛ زیرا شکم های شما از حرام انباشته شده و بر دل های شما مهر زده شده است، وای بر شما! چرا ساکت نمی شوید؟ چرا گوش نمی دهید؟»

عامل دیگر در جنایت و ظلم کردن، غفلت از یاد خدا است. جانی که از یاد حق خالی است، بهترین چراگاه شیطان و میدان تاخت و تاز اعوان و انصار او است. بذرگناه و عصیان در زمین چنین دلی راحت و به سرعت جوانه می زند و پس از چندی انسان اسیر دام شیطان می گردد و داخل در حزب او می شود. امام حسین (ع) در خطبه ای در برابر انبوه دشمن و خطاب به آنها فرمود: ((لَقَدْ اسْتَحَوَذَ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ فَانْسَاكُم ذِكْرَ اللَّهِ الْعَظِيمِ)) «بی شك شیطان بر شما مسلط شده و ذکر خداوند بزرگ را از یادتان برده است.» این سخن امام حسین (ع) مضمون کلام الهی است که می فرماید: ((اسْتَحَوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ)) (مجادله/ ۱۹)

## چگونه حضرت زینب (س) با آن همه مصائب فرمود: «جز زیبایی چیزی ندیدم»؟

متأسفانه عده‌ای با تصور نادرست، پیروزی را تنها در «غلبه نظامی» می‌پندارند و شکست را در مظلومیت و شهادت.

عاشورا نشان داد که در اوج مظلومیت هم می‌توان «فاتح» بود، پس امام حسین (ع) فاتح معرکه کربلا بود و چه فتح زیبایی! این دیدگاه را تمامی معصومین (ع) داشتند. زیباترین جلوه واقعه کربلا، تداوم اسلام و نشان دادن حق بود. در واقع، زیبایی به معنای حقیقی آن است که انسان بندگی کند و چگونگی عمل خود را در چارچوب دستورات الهی و رضایت خداوند ببیند.

از این رو، حضرت زینب (س) همه آن حوادث تلخ را به جهت منفعت و تداوم اسلام، جمیل و زیبا دید. ایشان از ورای قرون می‌دید که واقعه کربلا چه تاثیری در تداوم اسلام خواهد داشت. ابه همین خاطر، حضرت زینب (س) در مقابل سخن نیشدار و زخم زبان والی کوفه که گفت: «کار خدا را با برادر و خاندانت چگونه دیدی؟». فرمود: «ما رایت الا جمیلا» «جز زیبا چیزی ندیدم».

آیا این، در حادثه کربلا زیبا نیست؟ پیروزی، حتی در صورت کشته شدن و شهادت!



آیا پوشیدن رنگ سیاه در مصائب، با دین اسلام و علم روانشناسی در تنافی نیست؟

از منظر روانشناسی اگر شخص غم زده در آغاز قطع دل بستگی، در فضای شادی آفرین قرار گیرد، میان حالت درونی و وضعیت خارجی دچار تعارض می شود. بدین خاطر، انتخاب رنگ سیاه در چنین موقعیت هایی موجب تسکین و کاهش اضطراب فرد غم زده می شود. از دیدگاه علم روانشناسی، پوشیدن لباس سیاه همیشه نامناسب نیست و به معنای رسیدن به پایان زندگی نیست و تاثیر روانی و منفی ندارد. انتخاب اول دین اسلام برای رنگ، سیاه نیست و آن رنگ را برای حالات عادی انتخاب نمی کند بلکه آن را در مواردی خاص همچون زمان مصیبت، عمامه، عبا و چادر مجاز شمرده است. سیره عملی معصومین (ع) نیز بر پوشیدن لباس مشکی در مصائب بوده است، چنان چه امام حسن (ع) در سوگ امیرالمومنین (ع) لباسی سیاه پوشیدند و با آن لباس در میان مردم، خطبه خواندند. همچنین از طرفی دیگر، خداوند شب با رنگ سیاهش را مایه آرامش قرار داده است و روشنایی روز را زمینه تلاش ذکر کرده است: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قصص / ۷۳) بنابراین پوشیدن لباس سیاه در مصائب هیچ تنافی با دین اسلام و یافته های علمی ندارد.

## چرا امام حسین (ع) از مکه به کربلا خروج کرد؟

به حسب ظاهر عواملی چون امتناع امام حسین (ع) از بیعت با یزید و یا پاسخ به دعوت کوفیان، در تحقق این فاجعه خونین بی تأثیر نبود؛ اما معروف و منکر در زمان امام حسین (ع) به شدت مختلط شده و منکر در تمامی ابعاد رایج شده بود و معروف متروک مانده بود، ادامه این وضعیت منجر به خاموشی دین اسلام و سنت نبوی می شد. از همین رو امام حسین (ع) در آن شرایط و وضعیت، به احیا و اصلاح امت جدش، رسول الله (ص)، پرداخت.

صریح ترین و رساترین تعبیر امام (ع) در تبیین انگیزه اصلی خروجش، در وصیت نامه آن حضرت به برادرش محمد حنفیه آمده است. آن حضرت پس از آن که انگیزه‌هایی چون هوی و هوس و کسب مقام را از خود دور دانست، چنین نوشت: «وَأِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّي، أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)»؛ (من تنها به انگیزه اصلاح در امت جدم بپا خاستم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب (ع) رفتار نمایم!)

اصل امر به معروف و نهی از منکر در تمامی ادیان ابراهیمی سفارش شده است. از دیدگاه اسلام، هیچ عملی نمی تواند با دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، برابری کند و امت اسلامی، مادامی بهترین امت‌ها است که به این دو واجب شرعی عمل کند. قرآن کریم در این باره می فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/ ۱۱۰) بدین جهت، امام حسین (ع) هدف نهایی خروج خود را تحقق امر به معروف و نهی از منکر دانست.



سوال

۱۴

## آیا اظهار تاسف یزید به معنای توبه و استغفار او است؟

اظهار تاسف یزید از کشتن امام حسین (ع) برخلاف شواهد تاریخی است. طبق تاریخ، یزید از ورود سرها و اسیران به دمشق ابراز شادمانی کرده و با چوب بردندان‌های امام حسین (ع) می‌زد. و در حین این کار، اشعاری را می‌خواند که شعف او از انتقام‌گیری بنی امیه از بنی هاشم در جنگ بدر را بیانگر بود.

اظهار تاسف او زمانی بود که اوضاع را با عکس العمل احتمالی مردم پیش بینی کرد و در واقع، اظهار تاسف او یک اظهار سیاسی است و در مسئله توبه و استغفار قابل ارزیابی نیست. از طرفی دیگر، اگر احتمال توبه‌ی یزید وجود داشت باید آثار آن در اعمال بعدی او مشاهده می‌شد؛ در حالی که این‌گونه نیست. یزید پس از واقعه کربلا در مدت دو سال باقیمانده حکومت ننگین خود، به قتل عام مردم مدینه به مدت سه روز دستور داد و همچنین فرمان سوزاندن شهر مکه با منجنیق را صادر کرد و حرمت خانه کعبه را شکست.

بنابراین از نظر تاریخی مسلم است که در زندگی یزید هیچ نشانه‌ای از توبه وجود ندارد و در زیارت عاشورا، لعن بر یزید تا ابدیت وجود دارد:

«اللَّهُمَّ الْعَنَ أَبَا سَفِيَانَ وَ مَعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ بْنَ مَعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبَدِينَ»

# ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat



## چرا امام حسین (ع) با یزید بیعت نکرد؟

بیعت با یزید، به معنای تعهد همکاری در قتل مردم بی‌گناه و از بین بردن عزت اسلام است. بیعت صحیح، ابراز آمادگی در فرمان بردن از اوامر خلیفه برحق و فداکاری در راه انجام اوامر او است که بر هر مسلمان به حکم «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله وأطیعوا الرسولَ وأولی الأمر منکم» (نساء/۵۹) واجب است. در واقع، بیعت با یزید به معنای قانونی شدن فسق، تزییع حق، اتکا به ظالمان، تجاهر به منکرات و معاصی و..... است که بیعت امام حسین (ع) با چنین وضعیتی امکان شرعی و عرفی نداشت. از این رو، هنگامی که خبر مرگ معاویه به مدینه رسید و آن حضرت توشیح والی مدینه اجضار شد، امام (ع) در پاسخ به عبدالله بن زبیر فرمود: «انی لا أبیع له أبداً، لان الأمر إنما کان لی من بعد أخی الحسن». «هیچ گاه با یزید بیعت نخواهم کرد، چرا که امر خلافت پس از برادرم حسن (ع) تنها شایسته من است»

همچنین امام حسین (ع) در پی اصرار «مروان بن حکم» برای بیعت با یزید، با قاطعیت فرمود: «و علی الاسلام، الاسلام إذ قد یلیت الامة براع مثل یزید، و لقد سمعت جدی رسول الله (ص) یقول: الخِلافة محرمة علی آل ابي سفیان» «هنگامی که امت اسلامی به زمامداری مثل یزید گرفتار آید، باید فاتحه اسلام را خواند! من از جدم رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: «خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است»». در واقع امام حسین (ع) با این جمله، عمق فاجعه زمامداری یزید را بیان می کند و با استشهاد به کلام رسول خدا (ص) تصدی خلافت توسط فرزندان ابوسفیان را حرام می شمارد.

## آیا فرهنگ عاشورا به معنای جدایی دین از سیاست است؟

واقعیات تاریخی و تحلیل سخنان امام حسین (ع) به خوبی بیانگر الهی-دینی بودن اقدامات سیاسی امام حسین (ع) است. تفاوت‌های مهم حکومت دینی با حکومت سکولار-در اهداف، نوع مشروعیت، شرایط و... بیانگر رد نظریه طرفداران سکولاریسم است. امام حسین (ع) بر خلاف نظام‌های سکولار، اهداف حکومت را بسیار فراتر از تامین رفاه و امنیت دنیوی دانست: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي، أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ».

بررسی سخنان امام حسین (ع) ثابت می‌کند که مشروعیت حکومت فقط الهی است، امام حسین (ع) به فرماندار مدینه چنین فرمود: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ شَجَرَةِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ» در این عبارات، امام حسین (ع) ضمن تبیین دلایل مشروعیت حکومت خود، نا مشروع بودن حکومت یزید را به سبب فقدان نصب الهی معرفی می‌کند.

از طرفی دیگر، شرایط حاکم اسلامی از جمله علم به احکام الهی، عامل به کتاب خدا و سنت حضرت رسول (ص) و برپاکننده عدالت همگی بیانگر ملازمت سیاست با مشروعیت دینی است. امام حسین (ع) در نامه خود به کوفیان به این موارد اشاره فرمود: «فَلَعَمْرِي، مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ، الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ، الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ، الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ»

بنابراین از دیدگاه امام حسین (ع)، دین با سیاست پیوندی عمیق و ناگسستنی دارد؛ اهداف، مشروعیت، شرایط و کارکرد حکومت اسلامی همه باید بر اساس احکام و آموزه‌های الهی و در راستای تحقق سعادت دنیوی و اخروی بشر باشد.





سوال

۱۷

## چرا «مسلم بن عقیل» از ترور عبیدالله بن زیاد اجتناب کرد؟

از آن جا که حضرت رسول (ص) از حیله و مکر نهی کرده بود، از این رو حضرت «مسلم» از این طریق برای مبارزه با ابن زیاد استفاده نکرد. در حدیثی امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: «إِنَّ الْإِسْلَامَ قَيْدُ الْفِتْكَ» (همانا اسلام مانع حیله و مکر بوده و آن را غل کرده است).

از طرفی دیگر، این عمل با سیره و روش «مسلم» سازگاری ندارد؛ زیرا او مردی باور و باتقوا است و در خانه امیرالمؤمنین (ع) تربیت شده است. مسئولیت «مسلم» که از طرف امام حسین (ع) به او داده شده بود، بیعت گرفتن از مردم، اطلاع یافتن از حوادث کوفه بود. بدین ترتیب، اگر برای قتل ابن زیاد اقدام می کرد، از حیطة وظایف خود خارج می شد.

همچنین وظیفه حضرت «مسلم» بیداری مردم بود و اگر بدون بیداری امت و آگاه بخشی به آنان، ابن زیاد و امثال او را به قتل می رساند؛ شخصی دیگر همانند ابن زیاد یا از او بدتر را بر سر کار می آورند. مردم باید آگاه می شدند و از فساد خلیفه مطلع می شدند و این هدف با ترور یک فرد حاصل نخواهد شد.

از آن جا که حضرت رسول (ص) از حیله و مکر نهی کرده بود، از این رو حضرت «مسلم» از این طریق برای مبارزه با ابن زیاد استفاده نکرد. در حدیثی امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: «إِنَّ الْإِسْلَامَ قَيْدُ الْفِتْكَ» (همانا اسلام مانع حیله و مکر بوده و آن را غل کرده است).

از طرفی دیگر، این عمل با سیره و روش «مسلم» سازگاری ندارد؛ زیرا او مردی باور و باتقوا است و در خانه امیرالمؤمنین (ع) تربیت شده است. مسئولیت «مسلم» که از طرف امام حسین (ع) به او داده شده بود، بیعت گرفتن از مردم، اطلاع یافتن از حوادث کوفه بود. بدین ترتیب، اگر برای قتل ابن زیاد اقدام می کرد، از حیطة وظایف خود خارج می شد.

همچنین وظیفه حضرت «مسلم» بیداری مردم بود و اگر بدون بیداری امت و آگاه بخشی به آنان، ابن زیاد و امثال او را به قتل می رساند؛ شخصی دیگر همانند ابن زیاد یا از او بدتر را بر سر کار می آورند. مردم باید آگاه می شدند و از فساد خلیفه مطلع می شدند و این هدف با ترور یک فرد حاصل نخواهد شد.

# با قوس معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





سوال

۱۸

## فلسفه عزاداری برای امام حسین (ع) و مصائب ایشان چیست؟

امامان اهل بیت (ع) توصیه‌های فراوانی نسبت به برپا نمودن مجالس عزا و گریه بر مصائب امام حسین (ع) داشتند. در حدیثی از امام رضا (ع) چنین نقل شده است: «مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتِ الْقُلُوبُ» (هرکس در مجلسی بنشیند که در آن، امر ما احیا شود، دلش در روزی که دل‌ها می‌میرند، نمی‌میرد).

برپایی مجالس به یاد خاندان رسالت (در غم‌ها و شادی‌ها، در میلادها و شهادت‌هایشان) احیای امر اهل بیت و مطرح ساختن فضایل آنان است. از طرفی دیگر، در طول تاریخ اسلام وقایع تلخی روی داده است و اثرات نامطلوبی را در مسیر اسلام بر جای گذاشت، اما در حال حاضر عده‌ای به راحتی اصل وقوع بسیاری از این حوادث را انکار می‌کنند. اما این مجالس در جهت تبیین اهداف امام حسین (ع)، ترویج و تقویت اعتقادات اصیل اسلامی، اخلاق حسنه، ایثار و فداکاری تاثیرگذار است. در حقیقت، شیعیان به توصیه اهل بیت عزاداری می‌کنند تا یادشان نرود چه اتفاقی افتاد و زمینه آن چه بود؟ هدف امام حسین (ع) چه بود؟

اقامه عزاداری برای امام حسین (ع) موجب اتحاد و همدلی میان محبان و شیعیان می‌شود. ائمه اطهار (ع) با تأکید بر برگزاری مراسم عزاداری حسینی (ع)، برنامه آن حضرت را «محوری» برای وحدت مردم قرار دادند. مجالس عزای امام حسین (ع) مجالس تحوّل روحی، مرکز تربیت و تزکیه نفس است.

در این مجالس مردمی که با گریه بر مظلومیت امام حسین (ع) آن حضرت را الگو قرار می‌دهند، در واقع زمینه تطبیق اعمال، کردار خویش و هم‌رنگی و سنخیت خود را با سیره عملی آن حضرت فراهم می‌سازند. علاوه بر تجلیل از مقام آن امام، از مصادیق روشن تعظیم شعائر الهی است که در سوره حج آیه ۳۲ آمده است: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ».

# ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat



سوال  
۱۹

امنیت و نبودن خطر جانی، از شرایط امر به معروف است؛ پس چرا امام حسین (ع) امر به معروف کردند؟

صحیح است که امر به معروف و نهی از منکر تا زمانی واجب است که ضرری جدی به ما نرسد، اما فرق است بین امر به معروف و نهی از منکرهای عادی - که غرض آن بازداری اشخاص از معصیت و گناه است - و بین امر به معروف و نهی از منکر که جنبه‌ی احیای دین دارد و ترک آن موجب خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر مسلمین شود. روشن است که در صورت اول، شرط امر به معروف و نهی از منکر امنیت جانی است. اما باید توجه داشته باشیم که در صورت دوم، اقدام به امر به معروف و نهی از منکر مشروط به امنیت جانی نیست و باید دین را یاری کرد و خطر را از اسلام دفع نمود اگر چه به فدا کردن جان و مال باشد.

در عصر حکومت یزید، دین اسلام و قرآن در خطر تغییر و انحراف جدی بود و اوضاع و احوال نشان می داد که به زودی دین از اثر و رسمیت خواهد افتاد.

امام حسین (ع) نیز کاملاً از خطری که متوجه دین شده بود، آگاه بود و از این رو در همان آغاز کار فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ عَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِيَتْ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ» (باید با اسلام وداع کرد زیرا امت اسلام به فردی مانند یزید مبتلا شده است).

یعنی وقتی یزید زمامدار مسلمین شود، معلوم است که اسلام به چه سرنوشتی گرفتار می شود! امام حسین (ع) در مقابل چنین خطر و منکری باید به پا خیزد و امر به معروف و نهی از منکر کند، هر چند خود و عزیزانش را بکشند و خانواده‌اش را اسیر کنند؛ زیرا آن حضرت، بقای اسلام و بقای احکام اسلام را از بقای خودش مهم‌تر می دانست. بنابراین جای شک نیست که در مسائل مهم، امر به معروف و نهی از منکر با وجود هرگونه خطری واجب خواهد بود و در راه آن هر ضرری را باید به جان خرید.

ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat



## یاران و اصحاب امام حسین (ع) چه جایگاه و ارزشی دارند؟

پیروان هر مکتبی، بهترین گواه بر اصالت و توان سازندگی هدایت آن مکتب است. خاندان و یاران امام حسین (ع) در میدان وفا، ارادت، عشق و فداکاری گوی سبقت را از همه ربودند. در معرفی آنان سخین امام حسین (ع) در عصر تاسوعا به خوبی بیانگر است که ایشان فرمود: «فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي، وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبِي وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي؛ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْرَ الْجَزَاءِ» «من حقا اصحابی باوفاترو بهتر از اصحاب خودم، و نه اهل بیتی نیکوکارتر و با صله و پیوندتر از اهل بیت خودم سراغ ندارم؛ پس خداوند شما را از طرف من به بهترین جزائی پاداش دهد!» در زیارتی درباره یاران امام حسین (ع) چنین آمده است: «أَنْتُمْ سَادَةُ الشَّهَادَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». به عنوان نمونه می توان از «حربن یزید ریاحی» یاد کرد؛ در روز عاشورا وقتی حرّ لشکر عمر بن سعد را بر جنگیدن مصمم یافت و فریاد مظلومیت و فریادرسی امام حسین (ع) را شنید، خود را بر سر دو راهی «سعادت و شقاوت» و «بهشت و دوزخ» دید و با بصیرت و درایت راه «سعادت و عزت» را برگزید. اسب خود را به حرکت درآورد و در حالی که دست خود را به سر نهاده و به بارگاه حق عذر تقصیر و گناه می آورد؛ خود را به امام رسانید و عرض کرد: «فدای تو گردم، ای فرزند رسول خدا! من آن کسی هستم که راه بازگشت را بر روی تو بستم و باعث شدم تو در این زمین پر از بلا و رنج فرود آیی و هرگز گمان نمی کردم این مردم با تو بجنگند و اینگونه رفتار کنند! اکنون پیشیمان و شرمنده ام و به درگاه خدا توبه کرده ام، آیا خدا توبه و عذر مرا می پذیرد؟» حضرت فرمود: «بلی، خداوند از تو می پذیرد و از جرم تو می گذرد.»

در ریشه یابی علت بیداری و بازگشت حرّ، می توان حفظ ادب نسبت به مقام والای سیدالشهدا و اقتدا در نماز به آن بزرگوار و نیز تعظیم، تکریم و تواضع نسبت به مادر گران قدر آن حضرت، از عوامل نجات و سعادت آن آزاد مرد می باشد. سرانجام «حربن یزید» در دفاع از امام حسین (ع) فداکاری و جانبازی جانانه ای کرد و سرانجام بی رمق و خونین بر روی خاک افتاد و در آستانه شهادت قرار گرفت. یاران پیکر نیمه جان او را خدمت امام آوردند و او دست شفاپخش خود را بر صورت حرّ کشید و فرمود: «أَنْتِ الْحُرُّ كَمَا سَمَّيْتِكِ أُمَّكَ وَأَنْتِ الْحُرُّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛ «تو آزاد مردی چنان که مادرت تو را نام نهاده، و تو در دنیا و آخرت آزاده ای.»



سوال

۲۱

متن «زیارت عاشورا» از کدام منبع ذکر شده است؟

زیارت عاشورا از امام باقر(ع) به ما رسیده است و بر این اساس، باید اعتبار سند مورد پذیرش قرار گیرد.  
اصلی ترین و قدیمی ترین متنی که زیارت عاشورا در آن وارد شده، کتاب «کامل الزیارات» است.  
مؤلف کتاب، متن زیارت را با پنج واسطه از حضرت باقرالعلوم(ع) نقل کرده و سپس صاحب کتاب «مصباح المجتهد» به نقل این زیارت مبادرت ورزیده است.  
بر اساس نقل آمده در کتاب «کامل الزیارات»، این زیارت با دو نفر به نام های «علقمة بن محمد حصرمی» و «مالک بن اعین جهنی» به معصوم می رسند.

ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





سوال

۲۲

## چرا امام حسین (ع) در زمان معاویه اقدام به قیام نکرد؟

مهم‌ترین علت قیام نکردن امام حسین (ع) در زمان معاویه، وفاداری و احترام به پیمانی بود که برادر و امامش (امام حسن (ع)) در زمان حیات خود با معاویه بسته بود و معاویه تظاهر به احترام به آن پیمان می‌کرد. معاویه با انعقاد صلح با امام حسن (ع)، حکومت خود را از بحران مشروعیت نجات داد و خود را خلیفه مشروع در نظر مردم معرفی کرد. معاویه تلاش می‌کرد که چهره خود در نگاه مردم را مثبت حفظ کند و به همین خاطر نمی‌خواست که با آغشته کردن دست خود به خون امام (ع) چهره‌ی منفور خود را نمایان کند.

البته عوامل دیگری نیز در این مسئله دخیل بودند؛ مانند:

۱. از آن‌جا که معاویه سیاست مدار زیرکی بود و جانب ظاهر را تا حدودی نگاه داشته و فساد درونی دستگاه حکومتش چندان بر عموم مردم هویدا نبود. به ویژه مردم شام، او را به عنوان صحابی پیامبر اکرم (ص) و کاتب وحی می‌دانستند و به نظرشان نقش موثری در ترویج دین اسلام در منطقه شام داشته است، اما یزید جوانی خام و بی‌تجربه بود که فساد و غوطه‌ور بودنش در هوسرانی و شهوت و میمون و سگ بازی و... بر خاص و عام هویدا بود.

۲. در صورت پیش‌دستی امام حسین (ع) به قیام در زمان معاویه، این امکان برای معاویه بود تا آثار نهضت حسینی (ع) را لوث نموده و با تبلیغات نافذ و گسترده‌ای که داشت، خود را صاحب حق جلوه دهد.

۳. عدم اعلام حمایت مردمی گسترده از امام حسین (ع) در زمان معاویه از دیگر عوامل به شمار می‌آید.

# با قوس معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





سوال

۲۳

## ترویج عزاداری و سوگواری بر امام حسین (ع) از چه زمانی بوده است؟

عزاداری بر امام حسین (ع) از زمان شهادت ایشان بوده است، ولی تا زمان آل بویه این عزاداری مخفی بوده و قبل از قرن چهارم، عزاداری بر امام، علنی نبوده است. اما در نیمه دوم قرن چهارم، سوگواری در روز عاشورا آشکارا و در کوچه و بازار انجام می یافت. قابل توجه است که شیوه های عزاداری غیر از ماهیت عزاداری است. در واقع، عزاداری یک اصلی است که به گونه های مختلف و در شکل های مختلف ظهور می کند البته ابزار و اظهار ماهیت باید با محتوای عزاداری و پیام متناسب باشد. به صورتی که بتواند بهترین، شیواترین و نافذترین پیام و آموزه را به دیگران انتقال دهد. برای ابلاغ محتوای پیام می توان از ابزارهایی که در فرهنگ و ملل گوناگون وجود دارد، سود جست.

دین اسلام تا زمانی که با آموزه های اسلام و گوهر آن در تضاد و تهاافت نباشد، منعی را نسبت به آن روا نمی دارد. بنابراین از دیدگاه اسلام عزاداری و سوگواری اهل بیت می تواند در قالب ها و فرم ها و به شیوه های گوناگون تجلی یابد تا زمانی که به اصل پیام و محتوا لطمه وارد نکند و به بهترین نحو، پیام را در ذهن مخاطب جای دهد.

ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





## رفتار امام حسین (ع) با اصحاب خود چگونه بوده است؟

امام حسین (ع) به اصحاب خود آزادی و آگاهی داد. امام می خواست آن تکلیف شرعی را در نهایت آزادی و آگاهی انجام بدهند. امام حسین (ع) به آنان فرمود که نه دوست و نه دشمن شمارا مجبور نمی کند، اگر از تاریکی شب استفاده کنید و بروید کسی مزاحمتان نمی شود. اگر فکر می کنید که مسئله بیعت برای شما تعهد و اجبار به وجود آورده است، بیعت را هم برداشتم.

یعنی فقط آزادی و انتخاب در نهایت آگاهی؛ اصحاب امام حسین (ع) بدون این که کوچکترین احساس اجباری از ناحیه دشمن یا دوست بکنند، امام را انتخاب کردند. امام حسین (ع) فرمود که دیگر راهی نیست زیرا آن گونه شهادت ارزش نداشت. بلکه آن ها را آزادانه در انتخاب قرار داد.

پس انقلاب امام حسین (ع) در درجه اول یک انقلاب آگاهانه است.

# با قوس معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





## آیا گناهکاری انسان با شرکت در مجالس امام حسین (ع) و عزاداری در تعارض است؟

افرادی که تصمیم دارند که گذشته تباه خود را کنار بگذارند، با شرکت در مجالس عزای امام حسین (ع)، مجالس تحول روحی و مرکز تربیت و تزکیه نفس خود را فراهم می‌کنند. در این مجالس مردمی که با گریه بر مظلومیت امام حسین (ع) آن حضرت را الگو قرار می‌دهند، در واقع زمینه تطبیق اعمال و کردار خویش و هم‌رنگی و سنخیت خود را با سیره عملی آن حضرت فراهم می‌سازند. تاثیر عمیق این مجالس به قدری است که افراد زیادی در این مجالس دگرگونی عمیقی یافته و تصمیم بر ترک گناه و معصیت می‌گیرند و چه بسا اشخاص گمراهی که با شرکت در این مجالس تنبّه حاصل کرده و راه نجات را پیدا می‌کنند.

کسانی که با امید واهی به عزاداری‌های محرم، تصمیم به نجات خویش از غرقاب گناه نمی‌گیرند باید این نکته را مدنظر داشته باشند که هر کسی نمی‌تواند بعد از ارتکاب معصیت الهی، توفیق توبه و حضور در مجالس عزاداری امام حسین (ع) را پیدا کند. «مداومت» برگناه به امید واهی جبران آن در عزاداری و امید واهی به شفاعت، بعد از مدتی ممکن است «توفیق عزاداری» را نیز از او سلب کند.

کسانی که می‌خواهند با برپایی مجالس عزاداری برای امام حسین (ع)، درب «توبه» را به روی خود بگشایند و به شفاعت و آمرزش الهی چشم امید داشته باشند، باید این حقیقت را نیز پیش چشم خود داشته باشند که توبه شرایطی دارد؛ شرط توبه اصلاح گذشته است و کسی که سالیان دراز مرتکب گناهی شود و بعد نادم گردد و از در توبه درآید باید خطاهای گذشته را هرچند حق الله بوده با اعمال نیک خود جبران کند و اگر حق الناس بوده همه را تا آخر بپردازد.



## چرا امام سجاد (ع) با شورشیان مدینه همکاری نکرد؟

علل خودداری امام سجاد (ع) را می توان چنین خلاصه کرد:

۱- با ارزیابی اوضاع، و ملاحظه اختناق شدیدی که پس از شهادت امام حسین (ع) به وجود آمده بود، امام شکست نهضت مدینه را پیش بینی می کرد، و می دید اگر در آن شرکت جوید، نه تنها پیروز نمی شود، بلکه خود و پیروانش نیز کشته می شوند و باقی مانده نیروهای تشیع از بین می رود بدون آنکه نتیجه ای حاصل شود.

۲- با توجه به سوابق عبدالله بن زبیر، و نفوذی که او در میان صفوف شورشیان یافته بود، این نهضت نمی توانست يك نهضت اصیل شیعی باشد و امام نمی خواست امثال عبدالله بن زبیر قدرت طلب، او را پل پیروزی قرار دهند.

۳- شورشیان، عبدالله بن حنظله را به رهبری خود برگزیده بودند و هیچ گونه نظر خواهی از امام نکرده بود. گرچه رهبران شورش افرادی صالح و پاک بودند و انتقادات و اعتراض های آنان نسبت به حکومت یزید کاملاً بجا و درست بود، اما پیدا بود که این حرکت، يك حرکت خالص شیعی نیست و در صورت پیروزی معلوم نیست به نفع شیعیان تمام شود.

گویا با توجه به این گونه ملاحظات بود که امام از ابتدا در شورش شرکت نکرد، و یزید که این موضوع را می دانست و از طرف دیگر فاجعه کربلا در افکار عمومی برای او گران تمام شده بود، به «مسلم بن عقبه» توصیه کرده بود که متعرض امام سجاد (ع) نشود.

ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat



## چرا بر دشمنان امام حسین (ع)، لعن و ابراز دشمنی و نفرت می‌کنیم؟

اگر سیستم دفاعی بدن نباشد، سیستم جذب هم، نابود خواهد شد. تنها دوستی دوستان خدا کافی نیست؛ اگر دشمنی با دشمنان خدا نباشد، دوستی دوستان هم از بین خواهد رفت. مهم این است که جای جذب و دفع را درست بشناسیم. نمی‌توانیم از برکات حسینی استفاده کنیم مگر اینکه اول دشمنان او را لعن کنیم. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «أشداء علی الکفار رحماء بینهم»

در زمینه حب و بغض به خاطر خدا- به نقل از شیعه و سنی- نبی اکرم (ص) می‌فرماید: «حب و بغض به خاطر خداوند، واجب است»، بنابراین، یکی دیگر از فلسفه‌های زیارت عاشورا و ابراز لعن بر قاتلان شهیدان کربلا را تحکیم حب و بغض به خاطر خدا می‌توان برشمرد.

بر همین اساس، تولی و تبیری از فروع اسلام است و در فرهنگ اسلامی و خصوصاً شیعه جایگاه خاصی دارد.

تولی به معنای دوست داشتن دوستان خدا و تبیری به معنای بی‌زاری جستن و تنفر از دشمنان خداست. تولی و تبیری، محدوده و اساس گرایش‌ها، موافقت‌ها و مخالفت‌های مسلمان را در ارتباطات انسانی مشخص می‌کند.

از جمله واجباتی که همه مسلمان‌ها باید توجه داشته باشند و به آن‌ها عمل کنند، این است که باید دوستان خدا را دوست بدارند و با دشمنان خدا نیز دشمنی کنند. درست است که قاتلان امام حسین (ع) از دنیا رفته‌اند و خداوند آنان را مجازات می‌کند ولی با ابراز لعن و نفرین کار آنها مورد تنفر ما است و ما با لعن آنان، از عمل زشتشان اعلام تنفر می‌کنیم. حزب شیطان سابقه دار است و قاتلان امام حسین (ع) یک گروه از این زنجیره‌اند. هر کسی به کار آنها راضی باشد، حلقه دیگر حزب شیطان می‌باشد، همان گونه که حزب الله یک سلسله است. با لعن قاتلان سیدالشهدا و گریه برای امام (ع)، عضویت خود در حزب الله و نفرت خود را از حزب شیطان اعلام می‌کنیم.



سوال

۲۸

حضرت زهرا(س) پس از شنیدن خبر شهادت  
امام حسین(ع) از زبان پیامبر(ص)،  
چه کردند؟

روایتی در برخی از کتب روایی نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) وقتی خبر شهادت امام حسین(ع) توسط امت خود را به دخترشان- حضرت فاطمه زهرا(س)- بیان فرمودند، حضرت زهرا بسیار متأثر و بی تاب شدند.

این امر از عواطف انسانی ایشان ناشی شده و هیچگونه تعارض و مقابله‌ای با خواست و مشیت الهی نداشته است. لازم به ذکر است زمانی که پیامبر خبر از انتقام امام حسین(ع) توسط فرزندی از نسل ایشان را داده‌اند، که جهان در پرتو حضورش فارغ از ظلم و جور خواهد شد، حضرت زهرا(س) بانوی عالمین، آرام شده و خوشحال شدند.

این نشان می‌دهد که ائمه اطهار(ع) در برابر تمامی مصیبت‌ها و دشواری‌های که بر آنان وارد شده، مطیع اوامر الهی بوده و رضایت و خشنودی خالق را بر عواطف خود ترجیح داده و این از جایگاه ویژه آنان در برابر خداوند خبر می‌دهد.

ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat



آیا بنا بر آیات قرآن کریم، گریه بر  
امام حسین (ع) نوعی بدعت است؟

نمونه‌های قرآنی و روایی زیادی وجود دارد که بیانگر اندوهگین شدن انبیاء و ائمه (ع) بوده است و هیچ مستند قرآنی و روایی در مذمت گریه بر آل پیامبر و مظلومیت ایشان وجود ندارد.

قرآن کریم از نابینایی حضرت یعقوب خبر داده است که در اثر گریه شدید بر فراق فرزند خود نابینا شد. همچنین قرآن کریم بیان داشته که پیامبران الهی نیز گاهی محزون شده و آن را فقط با خدای خود در میان می‌گذارند.

همچنین بررسی سنت نبوی مؤید بر همین امر است و بدعت محسوب نمی‌شود. در کتاب صحیح بخاری (کتاب معتبر در نظر اهل تسنن) از گریه پیامبر بر مرگ فرزندش - ابراهیم - خبر داده است. علی‌رغم اعتراض شخصی به عملکرد حضرت رسول (ص)، حضرت چنین پاسخ دادند که این گریه نشانه رحمت و دلسوزی ایشان است. افزون بر موارد پیشین، روایاتی چون گریه پیامبر (ص) بر جعفر، حمزه، خبر شهادت امام حسین (ع) از جبرئیل و دعوت برای گریه همگی بیانگر آن است که چنین تأثرو عزاداری‌هایی بر مصائب دنیا را نمی‌توان بدعت و خروج از دین تعبیر نمود. بنابراین، قرآن کریم و سنت نبوی بر اندوهگین نشدن اشخاص در برابر پیشامدها و رخدادها تصریح نکرده است.



سوال

۳۰

## چرا عبدالله بن جعفر، همسر حضرت زینب (س) در کربلا حضور نداشت؟

در مورد شخصیت عبدالله بن جعفر باید گفت که ایشان صحابه‌ی بزرگ رسول خدا بوده و شأن و منزلت عظیمی در تاریخ دارد. اما در رابطه‌ی با حضور نیافتن ایشان در کربلا اقوال مختلفی مطرح شده است؛

یک احتمال بر این است که ایشان در زمان وقوع واقعه‌ی کربلا ۷۰ سال سن داشت، لذا به واسطه‌ی کهولت سن و ضعف جسمانی که بر او عارض شده بود، نتوانست با کاروان امام حسین (ع) همراه شود. امام حسین (ع) نیز قیام را بر ایشان واجب نکرده بودند و دستور دادند که در جنگ شرکت نکنند تا از بنی هاشمی که در مکه و مدینه بودند، محافظت کنند.

احتمالی دیگر نیز نقل شده است که ایشان نابینا بوده است و نابینایی عبدالله جعفر مانع همراهی ایشان با امام (ع) شد.

بنا بر هر دو احتمال، عبدالله بن جعفر معذور بر حضور و همراهی با کاروان حسینی معذور جسمی بوده است.

بنا بر روایات منقول، ایشان بعد از واقعه‌ی عاشورا تاسف شدید خورد و از وقایع و مصائب ابا عبدالله الحسین (ع) و اصحابشان بسیار ناراحت شد و همچنین هیچکدام از اهل بیت (ع)، عبدالله بن جعفر را به واسطه‌ی عدم شرکت در واقعه‌ی کربلا مذمت نکردند، بلکه همیشه به نیکی از ایشان یاد کردند و این صحابه را ستوده‌اند. بنابراین علت عدم حضور عبدالله بن جعفر در کربلا، عذر جسمی و با رضایت امام حسین (ع) بوده است.

# ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat



## چه تبیینی میان صلح امام حسن (ع) و جنگ امام حسین (ع) است؟

در مورد قیام امام حسین (ع) و صلح امام حسن (ع) باید تمام جهات تاریخی، اوضاع و احوال زمان آن دو بزرگوار را در نظر بگیریم تا اسرار آن «صلح» و این «جنگ» روشن شود. طبق گواهی تاریخ، وضع سیاست خارجی مسلمانان در زمان معاویه ایجاب چنان صلحی را می نمود؛ زیرا امپراطور روم شرقی که جنگ های داخلی مسلمانان را به دقت تعقیب می کرد، خود را آماده می ساخت که اگر جنگ دیگری میان امام حسن (ع) و معاویه درگیرد، بر مرزهای کشورهای اسلامی حمله کند و شکست های گذشته خود را جبران سازد و اگر چنین حادثه ای رخ می داد، ممکن بود ضربه سختی بر پیکر اسلام و مسلمین وارد شود.

از طرفی دیگر، به گواهی تاریخ معاویه مردی محافظه کار و مرموز بود و سعی می کرد اعمال ناروای خود را در قالب های فریبنده و عوام پسند بریزد. اما جانشین خام و ناپخته - یزید - نه تنها به اصول اسلام عقیده ای نداشت، بلکه از اصول کشورداری و سیاست بی بهره بود، لذا آن مختصر حفظ ظاهری را هم که معاویه مراعات می کرد رعایت نمی کرد و بی پروا با مقدسات اسلام مخالفت می کرد.

در چنین شرایطی، افکار عمومی مسلمان ها آماده شورش بر ضد دستگاه بنی امیه و برچیدن این بساط ننگین بود، در اینجا بود که قیام امام حسین (ع) به عنوان آخرین ضربت، کار خودش را کرد و ماهیت این خاندان را که بر اثر اعمال بی رویه یزید تا اندازه ای روشن شده بود، کاملا برملا نمود و نتیجه آن، پیروزی اسلام و شکست واقعی بنی امیه و طرد آنها از صفحه عمومی افکار مسلمان ها بود؛ ولی اوضاع و شرایط زمان معاویه اینچنین نبود.

گواه روشن این مطلب، عملکرد امام حسین (ع) است که بعد از امام حسن (ع) حدود ده سال در برابر معاویه صبر کرد و اقدام به مبارزه و جنگ نمود، ولی به محض این که شنید معاویه از دنیا رفته و فرزند وی یزید به جای او نشسته، مبارزه را شروع کرد و از آغاز با رد قطعی بیعت او، به وی اعلان جنگ داد و از پای ننشست تا در صحنه جانبازی کربلا آخرین قطرات خون خود را در راه سربلندی و عظمت اسلام و کوتاه کردن دست های آلوده و جنایتکار بنی امیه نثار کرد.

آخرین دعای امام حسین (ع) در روز عاشورا  
چه بود؟

«اللَّهُمَّ أَنْتَ مُتَعَالِي الْمَكَانِ عَظِيمِ الْجَبْرُوتِ شَدِيدِ الْمِحَالِ غَيْبِي عَنِ الْخَلَائِقِ عَرِيضُ الْكِبْرِيَاءِ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ قَرِيبُ الرَّحْمَةِ صَادِقُ الْوَعْدِ سَائِعِ النِّعْمَةِ حَسَنُ الْبَلَاءِ قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَتْ مُحِيطٌ بِهَا خَلَقْتَ قَابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تَابَ إِلَيْكَ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا أَرَدْتَ وَ مُدْرِكٌ مَا طَلَبْتَ وَ شَكُورٌ إِذَا شَكَرْتَ وَ ذَكُورٌ إِذَا ذَكَرْتَ أَدْعُوكَ مُحْتَاجًا وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فَكَيْفًا وَ أَفْزَعُ إِلَيْكَ خَائِفًا وَ أُنْكِي إِلَيْكَ مَكْرُوبًا وَ أَسْتَعِينُ بِكَ ضَعِيفًا وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كَافِيًا أَحْكَمُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا (بِالْحَقِّ) فَانْهَمْ غُرُونَا وَ خَدَعُونَا وَ خَذَلُونَا وَ غَدَرُوا بِنَا وَ قَتَلُونَا وَ نَحْنُ عَتْرَةُ نَبِيِّكَ وَ وُلْدُ (وُلْدِ) حَبِيبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ بِالرَّسَالَةِ وَ اتَّمَنْتَهُ عَلَيَّ وَ حَيْكَ فَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا فَرْجًا وَ مَخْرَجًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

«ای خدای بلند مقام با جلال و جبروت محکم تدبیر بی نیاز از خلق که ملک کبریایی او پهناور و قدرتت به هر چیز شامل و رحمتت به همه نزدیک وعده ات صدق و حقیقت نعمتت فراوان امتحانت نیکو. هر کس تو را بخواند به او نزدیک خواهی بود و هر که به درگاهت توبه کند می پذیری. هر چه بخواهی توانی کرد هر چه طلبی بیایی به شکرگزاران پاداش می دهی و هر که به یاد تو باشد از او یاد می کنی. من ای خدا با فقر و احتیاج، تو را می خوانم و از بی نوایی به درگاهت با شوق می آیم و با خوف و هراس به درگاهت می نالم و از رنج و آلام عالم می گریم و از تو برضعف و ناتوانیم مدد می طلبم و برای کفایت امورم بر تو توکل می کنم. پس خدایا تو میان ما و قوم ما به حق حکم فرما که این قوم ما را مغرور ساخته و با ما خدعه کردند و ما را ترک گفته و یاری نکردند و به مکر و فریب ما را شهید کردند. در صورتی که ما عترت پیغمبر تو بودیم و فرزندان حبیب تو محمد بن عبد الله (ص) که تو او را به رسالت برگزیدی و بر وحی خود امین قرار دادی. ای خدا پس در امور ما گشایش و آسایش عطا فرما به حق رحمت بی پایانت ای مهربانترین مهربانان عالم.»





سوال

۳۳

## سر مقدس امام حسین (ع) در کجا دفن شده است؟

درباره محل دفن سر مقدس امام حسین (ع) میان مورخان اختلاف نظر است؛ گروهی برخی بر این باورند که یزید آن سر مقدس را نزد عمرو بن سعید فرماندار مدینه فرستاد. عمرو گفت: من هرگز نمی خواستم یزید این سر را برای من بفرستد؛ سپس دستور داد آن را در بقیع کنار قبر مادرش حضرت فاطمه (س) دفن کنند. عده‌ای دیگر بر این باورند که یزید آن سر مقدس را در خزانه خود نگه داشت، تا آنکه شخصی به نام منصور بن جمهور آن را گرفت و در نزدیکی باب الفردیس (در دمشق) دفن کرد.

برخی دیگر معتقدند که آن سر در خزانه یزید بود، تا آنکه سلیمان بن عبدالملک در زمان خلافتش آن را یافت و در پنج جامه دیبا کفن کرد و با گروهی از اصحاب بر آن نماز گذارد و دفن کردند.

ولی مشهور علمای امامیه معتقدند که آن سر شریف را امام سجاد (ع) به کربلا بازگرداند و کنار جسد شریف به خاک سپرد و یا نزدیک قبر امیرمؤمنان (ع) در نجف دفن کرده است.

بنابراین، مشهور و معروف میان عالمان امامیه آن است که سر مقدس آن حضرت در کربلا کنار پیکر شریفش دفن شد، این نظر با شواهد و شرایط تاریخی آن زمان سازگارتر است. زیرا بعد از خطبه‌های امام سجاد (ع) و زینب کبری (س) در شام و تغییر اوضاع شهر شام و افکار عمومی مردم آن سامان و تلاش یزید برای جلب نظر امام سجاد (ع) طبیعی است که آن سر شریف را در شام باقی نگذارد و به امام (ع) تحویل دهد.

علاوه بر آن، گذاردن سر مقدس در خزانه و نگهداری آن برای چند سال کاملاً خلاف معمول و غیر متعارف است و سبب نفرت بیشتر مردم از خاندان اموی می‌گردید؛ لذا نظر مشهور علمای امامیه به واقع نزدیک تر به نظری می‌رسد.

مرحوم «مقرّم» نویسنده کتاب مقتل الحسین (ع) نیز می‌نویسد: هنگامی که امام زین العابدین (ع) موافقت یزید را به دست آورد، همه سرهای شهدا را از او طلب کرد تا آن‌ها را در کربلا به خاک بسپارد و یزید نیز سرها را به آن حضرت سپرد و امام (ع) آن‌ها را به بدن‌های شریفشان ملحق کرد.

ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat



## چرا امام حسین (ع) در عصر تاسوعا، از دشمن مهلت گرفت؟

پس از بی نتیجه ماندن راه‌های مسالمت‌آمیز و تسلیم‌ناپذیری امام حسین (ع)، عمرسعد برای گرفتن بیعت اجباری و یا کشتن امام و یارانش در عصر تاسوعا فرمان حمله را صادر کرد. با این فرمان هزاران تن سواره و پیاده به سمت اردوی ابا عبدالله (ع) روانه شدند، صدای همه‌همه آنها در بیابان کربلا پیچید و به گوش لشکریان امام (ع) رسید. حضرت عباس بن علی (ع) محضر امام (ع) شرفیاب شد و پیام ابن سعد را به عرض امام (ع) رساند، امام حسین (ع) به برادر خطاب کرد و فرمود: «أَرْجِعَ إِلَيْهِمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُوَخَّرَهُمْ إِلَى غَدْوَةٍ وَتُدْفَعَهُمْ عَنِ الْعِشْيَةِ لَعَلَّنَا نَصَلَى لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَنُدْعُوهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي كُنْتُ أَحَبُّ الصَّلَاةِ لَهُ وَتِلَاوَةِ كِتَابِهِ وَكَثْرَةَ الدَّعَاءِ وَالِاسْتِغْفَارِ»؛

(نزد آنان برگرد، چنانچه توانستی از آنان بخواه که جنگ را تا سپیده دم فردا به تأخیر بیاورند و یک امشب را مهلت بگیر، تا در این شب به درگاه خداوند نماز بگذاریم و به راز و نیاز و استغفار بپردازیم. خدا می داند که من نماز برای او و تلاوت کتابش (قرآن) و راز و نیاز فراوان و استغفار را دوست دارم).

حضرت عباس (ع) سوار بر اسب به سمت دشمن برگشت و هنگامی که رو در روی سپاه قرار گرفت، به آنان خطاب کرد و فرمود: «ای مردم! ابا عبدالله (ع) یک امشب را از شما مهلت می خواهد».

پس از این سخن، در میان سپاهیان عمر بن سعد گفتگوهایی رد و بدل شد تا آن که عمرو بن حجاج زبیدی گفت: «سبحان الله! به خدا سوگند! اگر اینان از مردم دیلم (کفار) بودند و از تو چنین تقاضایی می کردند، سزاوار بود که بپذیری». قیس بن اشعث گفت: «درخواست آنها را بپذیر، به جانم سوگند! که آنان بیعت نخواهند کرد و فردا با تو خواهند جنگید». ابن سعد گفت: «به خدا سوگند! اگر بدانم که چنین کنند هرگز این شب را به آنان مهلت نمی دهم!»

در روایتی از امام سجاد (ع) آمده است که فرمود: «فرستاده عمرسعد نزد ما آمد و در جایی که صدایش به گوش می رسید ایستاد و گفت: «ما تا فردا به شما مهلت می دهیم، اگر تسلیم شدید شما را نزد عبیدالله بن زیاد خواهیم برد و اگر سرباز زدید، از شما دست نخواهیم کشید».

## چرا امام حسین (ع) در طول مسیر کوفه از کشته شدن حضرت یحیی (ع) یاد می‌کرد؟

امام حسین (ع) در طول مسیر کوفه و در ملاقات با آدم‌های مختلف همواره از حضرت یحیی (ع) و کشته شدن او یاد می‌کرد، از جمله آن‌که فرمود:

«إِنَّ امْرَأَةَ مَلِكِ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَبُرَتْ وَارَادَتْ أَنْ تَزُوجَ بِنْتَهَا مِنْهُ لِلْمَلِكِ، فَاسْتَشَارَ الْمَلِكُ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا فَنَهَاهُ عَنْ ذَلِكَ، فَعَرَفَتِ الْمَرْأَةُ ذَلِكَ وَزَيَّنَتْ بِنْتَهَا وَبَعَثَتْهَا إِلَى الْمَلِكِ فَذَهَبَتْ وَلَعِبَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقَالَ لَهَا الْمَلِكُ: مَا حَاجَتِكَ؟ قَالَتْ: رَأَيْتُ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا. فَقَالَ الْمَلِكُ: يَا بِنْتِي حَاجَةٌ غَيْرَ هَذِهِ. قَالَتْ: مَا أُرِيدُ غَيْرَهُ... فَقَتَلَهُ، ثُمَّ بَعَثَ بِرَأْسِهِ إِلَيْهَا فِي طَشْتٍ مِنْ ذَهَبٍ، فَأَمَرَتْ الْأَرْضَ فَأَخَذَتْهَا، وَسَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بَحْتَ نَصْرٍ»

(همسر پادشاه بنی اسرائیل پیر شده بود، خواست دخترش را به همسری آن پادشاه درآورد. پادشاه با یحیی بن زکریا در این مورد مشورت کرد حضرت وی را از این کار برحذر داشت، همسر پادشاه از این ماجرا با خبر شد و دخترش را آرایش کرد و به نزد پادشاه فرستاد. دختر به نزد پادشاه رفت و به طنازی و عشوه‌گری پرداخت [تا هوش از سر پادشاه ربود]. پادشاه گفت: «[برای آن که به وصالت برسم] چه می‌خواهی؟» دختر گفت: «[سر یحیی بن زکریا را!]» پادشاه گفت: «[دخترم! چیز دیگری بخواه.]» گفت: «[جز این نمی‌خواهم!]» وی پس از این، تصمیم به قتل حضرت یحیی (ع) گرفت و آن حضرت را به قتل رساند. آنگاه سر مبارکش را در طشت طلائی نهاد و به نزد آن دختر فرستاد و چندان نگذشت که زمین دختر را در خود فرو برد و «بخت نصر» بر آنان مسلط شد. آنجا که سر یحیی را دفن کردند پیوسته از آن محل خون می‌جوشید تا بخت نصر گروه زیادی از ظالمان بنی اسرائیل را کشت تا خون از جوشش افتاد.

آن‌گاه، امام حسین (ع) به فرزندش امام سجاد (ع) فرمود: «يَا وَلَدِي يَا عَلِيُّ وَاللَّهِ لَا يَسْكُنُ دَمِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ الْمَهْدِيَّ فَيَقْتُلَ عَلِيَّ دَمِي مِنَ الْمُنَافِقِينَ الْكُفْرَةَ الْفَسَقَةَ سَبْعِينَ أَلْفًا!»؛ [فرزندم! علی جان! به خدا سوگند خون من آرام نخواهد گرفت تا آن‌گاه که خداوند [فرزندم] مهدی (عج) را مبعوث کند و او هفتاد هزار تن از منافقین کافر و فاسق را به قتل برساند]

هدف امام حسین (ع) از طرح ماجرای حضرت یحیی (ع) اشاره به این نکته است که حکام ظالم، جبار و هواپرست او را به جرم پاکی و تقوا و مبارزه با هوسبازی‌ها شهید می‌کنند و سر بریده‌اش را برای ناپاک زاده‌ای هدیه می‌برند.

جمله «خون من از جوشش باز نمی‌آیستد تا حضرت مهدی (ع) قیام کند» اشاره پر معنایی به استمرار عاشوراها و حسینی در طول تاریخ است.

همان چیزی که امروز با چشم خود می‌بینیم. «صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ (ص) وَأَوْلِيَائُهُ (ع)



سوال

۳۶

## چرا حضرت ام البنین به همراه امام حسین (ع) در کربلا حضور نداشت؟

فاطمه کلابیه با به دنیا آمدن چهار فرزند پسر به حضرت «ام البنین» معروف شد و این چهار برادر همراه برادر بزرگتر خود امام حسین (ع) در کربلا حضور داشتند. اما ضرورتی برای همراهی مادر با آنها وجود نداشت. چرا که حضرت ام البنین در آن زمان، بانوی میان سالی بود که اگر بر فرض در هنگام ازدواج با امیرالمومنین (ع) در سال بیستم هجری، بیست سال داشت، در هنگام واقعه کربلا که اواخر سال شصت هجری اتفاق افتاد، شصت ساله بوده و به عنوان همسر حضرت علی بن ابیطالب (ع) از رفعت مقام و جایگاهی ویژه برخوردار بوده است.

از سوی دیگر، حرکت کاروان امام حسین (ع) در همان ابتدا به قصد کربلا و شهادت نبود بلکه ظاهراً این حرکت به قصد اجابت دعوت عراقیان و کوفیان و اقامه حکومت اسلامی انجام می شد و شاید قصد این بوده است که در صورت به فرجام رسیدن این سفر و برپایی پرچم خلافت عدل امیرالمومنین (ع) و اولاد ایشان، فرزندان حضرت ام البنین، مادر را نیز به سوی کوفه دعوت و در آنجا میزبان او باشند. اما وضعیت به گونه دیگری پیش رفت و حضرت ام البنین به طبیعت حال همچنان در مدینه حضور داشت و خبر واقعه کربلا و شهادت فرزندانش را به او دادند.

# ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





## چرا در ماه صفر به زیارت اربعین توصیه شده است؟

کتاب «مصباح المتهجد» شیخ طوسی که حاصل گزینش دقیق و انتخاب معقول شیخ طوسی است، از روایات فراوان درباره تقویم مورد نظر شیعه درباره ایام سوگ، شادی، دعا، روزه و عبادت است.

در این کتاب ذیل ماه «صفر» چنین آمده است که روز بیستم ماه صفر - اربعین - زمانی است که کاروان اسرا، از شام به مدینه بازگشتند و روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسول خدا (ص)، از مدینه به کربلا رسید تا به زیارت قبر امام حسین (ع) بشتابد و او نخستین کسی است که قبر آن حضرت را زیارت کرد. در این روز، زیارت امام حسین (ع) مستحب است و این زیارت، همانا خواندن زیارت اربعین است.

ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





## چرا پرچم حرم امام حسین (ع) به رنگ قرمز است؟

به گونه‌ی مشخص نمی‌توان قضاوت نمود که علت قرمز بودن پرچم امام حسین (ع) چیست و روایات نیز در این خصوص دلالت ندارد. به نظر می‌رسد گزینش پرچم قرمز برای امام حسین (ع) بدان جهت بوده است که نماد از فعالیت، قیام و مظلومیت حضرت و انتقام از دشمنان را بروز دهد.

نحوه شهادت امام حسین (ع) با دیگر امامان (ع) متفاوت است. امام حسین (ع) مظلومانه و با وضع رقت‌انگیز به شهادت رسید و خانواده و اهل بیت او به اسارت درآمدند و این حالت برای هیچ یک از امامان قبل و بعد از ایشان سابقه نداشته است. به همین جهت توصیه امامان (ع) در عزاداری و برپاداشتن یاد، نام، مکتب و سخنان ابا عبدالله (ع) بیشتر از سایر ائمه می‌باشد. در مورد رنگ پرچم او اگر چه روایت خاصی از امامان معصوم (ع) وارد نشده، اما برپاداشتن یاد و خاطره امام حسین (ع) و الهام گرفتن از مکتب ایشان سفارش شده است.

امام ثارالله (خون خدا) است و انتقام او توسط امام زمان (ع) گرفته می‌شود، که در احادیث به آنها اشاره شده است.

پرچم سرخ در عین حال که نشان رنگ خون، جنگ و انتقام از ظالمان است، نشان شهادت مظلومانه و کشته شدن با شمشیر می‌باشد.

# ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





سوال

۳۹

## چرا امام سجاد (ع) نتوانستند در کربلا همچون دیگران جهاد کنند؟

متأسفانه بسیاری از مردم نا آگاه، از امام چهارم (ع) به عنوان امام بیمار یاد می کنند و با ذکر این لقب، در ذهن آنان شخصی رنجور و ناتوان با چهره ای زرد، پژمرده و روحی افسرده تداعی می شود در حالی که واقعیت غیر از این است؛ زیرا امام چهارم تنها در کربلا به مدت کوتاهی بیمار بوده است و پس از آن بهبود یافته است و در حدود ۳۵ سال همچون سایر امامان از سلامت جسمی برخوردار بوده است. بی شك بیماری موقت آن حضرت در آن حادثه، عنایت خداوندی بوده است تا بدین وسیله از وظیفه جهاد معذور گردد. و وجود مقدسش از خطر کشتار مزدوران یزید محفوظ بماند و از این رهگذر، رشته امامت تداوم یابد. اگر حضرت بیمار نبود می بایست در جهاد با یزیدیان شرکت کند و در این صورت همچون سایر فرزندان و یاران پدرش به شهادت می رسید و نور هدایت خاموش می شد

ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat





## چرا برای امام حسین (ع) لقب کشتی نجات و نارالله به کار رفته است؟

موقعیت و شرایط امام حسین (ع) یک شرایط ویژه بود؛ در آن شرایطی که بنی امیه توانسته بود با تبلیغات مسموم چهره اسلام را واژگون و مسخ نماید، امام توانست هم اسلام را از نابودی نجات بخشد و هم تمام ابعاد اسلام واقعی را در عمل برای جهانیان ترسیم نماید و به نمایش بگذارد و در واقع راه نجات و هدایت را برای انسان‌ها تجسم نماید. در منابع روایی آمده است: «إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَلَى يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ مُضْبَاحٌ هَادٍ وَ سَفِينَةٌ نَجَاةٌ» (در طرف راست عرش نوشته شده است؛ حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است).

به جهت همین جامعیت، واقعه عاشورا و امام حسین (ع) چراغ راهی شد که حقیقت جویان در پرتو آن می‌توانند خود را از گمراهی و ظلمات و تاریکی‌های جهل و نادانی نجات بخشند و از گرداب حوادث به سلامت به ساحل نجات بار یابند.

ذکر یک ویژگی و لقب برای امام معصوم (ع) از جهت خاصی است. به طور مثال، از بین امامان معصوم تنها امام علی (ع) و امام حسین (ع) از لقب نارالله (خون خدا یا کسی که ولی دم او خدا است) برخوردارند با این که همه آنان به مرگ طبیعی از دنیا نرفته‌اند و شهادت در راه خدا نصیب آنان شده است. دلیل این امر آن است که از بین امامان تنها خون آن دو امام بر زمین ریخته شد و در آن شرایط، این نحوه از شهادت، بیشترین نقش و تأثیر را در حیات بخشی به اسلام داشته است، و این در حالی است که ویژگی یاد شده در امامان دیگر بروز نکرده است. به عبارت دیگر؛ با این که همه امامان جلوه کاملی از صفات و اسمای الهی بوده‌اند، شرایط خاص و ویژگی‌های زمانه، باعث می‌گردید که جنبه‌ای از شخصیت آنها تجلی پیدا کند و به فعلیت برسد و آنان مظهر یک اسم از اسمای الهی گردند و در هر زمان، یک بُعد از ابعاد وجودی آنان ظهور، بروز و جلوه خاصی داشته باشد.

# ناقص معرفت

@quranshirazu

@aut\_quran\_etrat

